

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هدیه های آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی

ششم دبستان

۱۳۹۱



با نشاط و خرمی درس‌هایتان را خوب بخوانید و اخلاق خود را
نیکو کنید. سعی کنید برای اسلام و کشورتان مفید باشید.

امام خمینی (ره)

فہرست



درس اوّل: تنہا او ۱۰



درس دوم: تنہا تو را می پرستیم ۱۴



درس سوم: جہان دیگر ۱۸



درس چہارم: یاد آن روز بزرگ ۲۰



درس پنجم: شتریان بایمان ۲۲



درس ششم: سرور آزادگان ۲۶



درس هفتم: سیمای خوبان ۳۰



درس هشتم: جانشینان امام زمان (علیه السلام) ۳۶



درس نهم: آداب زندگی ۳۸



درس دهم: راه تندرستی ۴۲



درس یازدهم: پاداش بزرگ ۴۶



درس دوازدهم: احکام سفر ۵۰



درس سیزدهم: عید مسلمانان ۵۴



درس چهاردهم: راز موفقیت ۵۶



درس پانزدهم: رهبر کوچک ۵۸



درس شانزدهم: زیارت ۶۴



درس هفدهم: دانش آموز نمونه ۶۸

همکار گرامی، معلم عزیز

سلام علیکم

برای پیشبرد بهتر فرایند یاددهی- یادگیری، توجّه شما را به نکات ذیل جلب می‌کنیم: برای تدریس کتاب مراجعه به کتاب راهنمای معلم ضروری است. بخشی از محتوای آموزشی در کتاب راهنمای معلم قرار داده شده است و بدون مراجعه به آن فرایند آموزش تکمیل نخواهد شد.

فعالیت‌های دروس، درون کتاب درسی قرار داده شده است و کتابی مستقل تحت عنوان «کتاب کار» برنامه‌ریزی نشده است، بنابراین لازم است تدریس محتوای کامل کتاب (به ویژه انجام فعالیت‌ها) در کلاس صورت پذیرد. با توجّه به این که تصاویر نقش مهمّی در تثبیت اهداف درس دارند، لازم است همکاران محترم در راستای آموزش مفاهیم دروس، از شیوه‌ی تصویرخوانی نیز استفاده کنند.

نوع نگارش متن در این کتاب نسبت به سال‌های گذشته با تغییراتی رو به رو است و به اقتضای سنّ دانش‌آموزان، ادبیات مستقیم‌تری به کار گرفته شده است.

جهت تحقق اهداف دروس، آیات و احادیث بسیاری به کار گرفته شده است تا دانش‌آموزان به تدریج دریابند که دین را باید از منابع معتبر آن (کلام خدا و سخن معصومان) که از هر خطا و اشتباه به دور هستند، دریافت کنند. آیات و احادیث درس در بسیاری از موارد، مفاهیم درس را جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌کنند و دین را از زبان منابع اصیل در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند.

هر درس اجزایی دارد که به صورت خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود. تفصیل مطالب را در کتاب راهنمای معلم مطالعه نمایید.

عنوان درس: عنوان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، گویای چکیده و محتوای اصلی درس است و با ایجاد حسّ کنجکاوی در دانش‌آموزان، در جهت انگیزش آن‌ها به موضوع درس به کار می‌آید.

ورودی: این بخش که در بیش‌تر دروس و در آغاز درس قرار گرفته است، به منزله‌ی ایجاد آمادگی و انگیزه برای ورود به درس می‌باشد. همچنین در پاره‌ای از دروس، ورودیه نقش ارزشیابی تشخیصی از میزان پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان در ارتباط با هدف درس را ایفا می‌نماید.

متن و بدنه درس: مفاهیم و اهداف اصلی درس، در این بخش بیان می‌شود.

بیش‌تر بدانیم: این بخش در راستای تقویت و تکمیل مفاهیم اصلی درس، در برخی دروس قرار داده شده است.

لازم به ذکر است مطالب این بخش جهت افزایش اطلاعات دانش آموز بوده و مورد ارزشیابی قرار نمی گیرد.
بین و بگو: این بخش با انجام یک فعالیت عینی و ملموس از سوی دانش آموزان، موجب تثبیت مفاهیم درس و تعمیق یادگیری می شود.

فکر کن و بگو: این فعالیت به منظور تمرین فرایند تفکر منطقی پیش بینی شده و دانش آموزان آن را به صورت فردی انجام می دهند.

گفت و گو کنید: با هدایت و نظارت همکاران، دانش آموزان به سؤالات مطرح شده در این بخش پاسخ می دهند و معلم جمع بندی می کند. دانش آموز در این قسمت با نظارت معلم آموخته های دینی خود را در جمع دانش آموزان کلاس تأیید نموده و آمادگی بروز رفتار دینی برای وی حاصل می گردد.

همراه با خانواده: این قسمت با هدف بسط یادگیری و تقویت نگرش دانش آموز به مفاهیم دینی در میان اعضای خانواده، برای بروز رفتار دینی وی قرار داده شده است.

اجرای نمایش: محتوای برخی دروس به صورت نمایش در کلاس اجرا می شود. جهت جذاب سازی کلاس، همکاران می توانند امکانات لازم برای نمایش را در کلاس تدارک نمایند. این بخش با قرار دادن دانش آموزان در موقعیتی فرضی، فرصتی برای تمرین عملی مفاهیم فراهم می کند.

تحقیق کنید: این بخش توسط دانش آموزان در خارج از فضای کلاس صورت می پذیرد. هدف این بخش تقویت رویکرد پژوهش محور در فرایند آموزش و تعمیق آموخته های دانش آموزان است.

خاطره گویی: دانش آموز در این بخش میان هدف درس و زندگی روزمره ی خود ارتباط برقرار می کند.

کامل کنید: این بخش با برقراری ارتباط میان مفاهیم درس، به تثبیت اهداف کمک می کند.

انتظار می رود همه ی دانش آموزان در بخش های گوناگون درس مشارکت داشته باشند و اگر دانش آموزی در بخشی نتوانست فعالیت و مشارکت مؤثری داشته باشد، در بخش دیگر به او توجه شود.

پایگاه اینترنتی گروه تعلیم و تربیت دینی با قرار دادن اخبار، بخش نامه ها، نسخه ی الکترونیکی کتاب های درسی، متون کمک آموزشی، کتاب راهنمای معلم، شیوه نامه ی ارزشیابی در پایه های دوم و ششم ... در خدمت شما معلمان گرامی می باشد. آدرس وبگاه عبارت است از:

dini-dept.talif.sch.ir

تنها او

نظم و هماهنگی که در جهان اطراف ما وجود دارد، نشانه‌ی چیست؟



هماهنگی شگفت‌انگیز

آیا تا به حال درباره‌ی رشد یک دانه‌ی گندم فکر کرده‌اید؟
یک دانه‌ی گندم وقتی در خاک قرار می‌گیرد، غذای آن از قبل در خاک آماده شده است. دانه
برای رشد، به آب هم نیاز دارد. آب مورد نیاز آن، به وسیله‌ی ابرها از بالای دریاها به سوی
مزرعه می‌آید و به صورت باران، بر زمین می‌بارد. دانه‌ی گندم برای رشد، به نور و گرما هم نیاز
دارد که خورشید آن را تأمین می‌کند.

جالب است بدانید که فاصله‌ی خورشید و زمین دقیق و حساب شده است. اگر فاصله‌ی زمین تا
خورشید خیلی زیاد بود، گیاهان به خاطر سرما از بین می‌رفتند و اگر این فاصله خیلی کم بود، از
گرمای زیاد می‌سوختند.

می‌بینید که برای رشد یک دانه‌ی گندم، چه هماهنگی شگفت‌انگیزی میان خاک و خورشید و باد و باران وجود دارد. درباره‌ی هر کدام از پدیده‌های این جهان که فکر کنید، همین هماهنگی و نظم را خواهید دید.

فکر می‌کنید اگر دو یا چند خدا جهان را اداره می‌کرد، این هماهنگی به وجود می‌آمد؟
قرآن کریم می‌فرماید:

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا

اگر در آسمان و زمین، غیر از الله خدایان دیگری بود،
آسمان و زمین به هم می‌ریخت.

سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۲۲

فرض کنید دو خدا تصمیم داشتند جهان را اداره کنند! یکی می‌خواست خورشید را از مشرق بیاورد، اما دیگری می‌خواست طلوع خورشید را از مغرب قرار بدهد!
یکی می‌خواست دو دست برای انسان بیافریند و دیگری اراده می‌کرد انسان سه دست داشته باشد!

یکی تصمیم می‌گرفت هر سال ۱۲ ماه داشته باشد و دیگری سه ماه دیگر به آن اضافه می‌کرد!
نظم و هماهنگی میان پدیده‌های جهان نشان می‌دهد که فقط یک خدا جهان را اداره می‌کند.
راستی اگر خدای دیگری هم وجود داشت، چرا برای معرفی خودش، حتی یک نفر را برای ما انسان‌ها نفرستاده است!؟

امام علی (علیه السلام) در این باره به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید:

پسر عزیزم! بدان که اگر پروردگار تو شریکی داشت،
پیامبران او نیز نزد تو می‌آمدند.

نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱

ببین و بگو

با دقت به این تصاویر نگاه کنید. میان این موجودات با محیط اطراف خود، چه هماهنگی وجود دارد؟



گفت و گو کنید

به نظر شما در هر یک از موارد زیر چه مشکلاتی رخ خواهد داد؟

- یک مدرسه دو مدیر داشته باشد.
- یک تیم ورزشی دو سرمربی داشته باشد.
- سربازان یک لشکر دو فرمانده داشته باشند.

همراه با خانواده

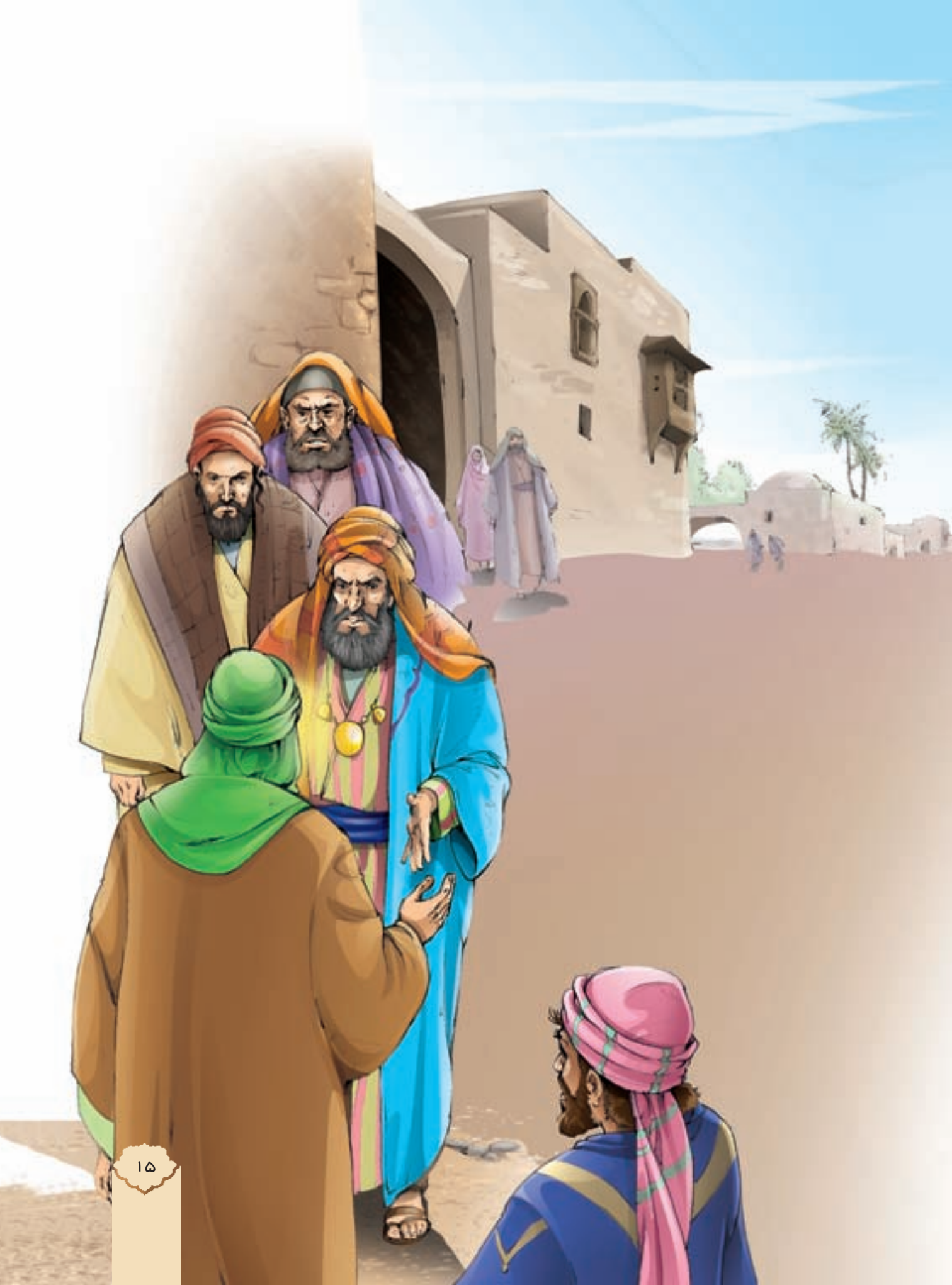
با کمک اعضای خانواده، نمونه‌ی دیگری از نظم و هماهنگی در جهان آفرینش را بنویسید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

تنها تو را می‌پرستیم

مشرکان مکه گمان نمی‌کردند کسی حرف‌های حضرت محمد را باور کند و به او ایمان بیاورد؛ اما روز به روز بر پیروان او افزوده می‌شد. آن‌ها برای جلوگیری از پیشرفت اسلام، هر کاری کردند، ولی سخت‌ترین آزارها و شکنجه‌ها نیز نتوانست پیروان حضرت محمد را از یاری او باز دارد. بزرگان قریش، برای گفت‌وگو در این باره گردهم آمدند. در جلسه‌ی مشورتی، پیشنهادهای گوناگونی مطرح شد؛ اما هیچ یک از سوی جمع پذیرفته نشد.

سرانجام یکی از افراد پیشنهادی داد که همه قبول کردند: «بهتر است به محمد بگوییم ما حاضریم از آیین تو پیروی کنیم، به شرط آن که تو هم از آیین ما پیروی کنی. در این صورت تو هم جزء بزرگان قریش می‌شوی و از همه‌ی مقامات و امتیازات ما برخوردار می‌گرددی. یک سال تو خدایان ما را پرست و سال بعد ما خدای تو را می‌پرستیم.»

سران قریش، پیشنهاد خود را با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در میان گذاشتند. اما رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که حتی برای لحظه‌ای حاضر نبود در برابر بت‌های سنگی و چوبی سر فرود آورد، فرمود: «پناه بر خدا که بخواهم چیزی را همتای او قرار دهم.» در پی این ماجرا، سوره‌ی «کافرون» بر پیامبر نازل شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مسجد الحرام رفت، بر بلندی ایستاد و آیات آن را برای بزرگان قریش خواند:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

بگو: ای کافران

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

من آنچه را شما می‌پرستید، نمی‌پرستم.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳) و شما نیز آنچه را من می‌پرستم، نمی‌پرستید.

(بار دیگر می‌گوییم):

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴)

نه من آنچه را شما پرستش کرده‌اید،

می‌پرستم.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵) و نه شما آنچه را من می‌پرستم،

خواهید پرستید.

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِىَ دِينِ (۶)

(بنابراین) دینِ شما برای خودتان و

دینِ من برای خودم.

پدر خداپرستان

حضرت ابراهیم، برای دعوت مردم به خداپرستی، تلاش بسیاری کرد. خدا در قرآن، او را پدر مؤمنان و خداپرستان نامیده است.^۱

او از جوانی، با بت‌پرستی مبارزه می‌کرد و به قوم خود می‌گفت: «پرستیدن این بت‌های بی‌جان چه سودی برای شما دارد؟ آیا عاقلانه است که شما خودتان بت‌هایی بسازید و بعد در برابر ساخته‌های دست خود، به سجده بیفتید.» اما قوم ابراهیم، به سخنان او توجهی نمی‌کردند و حرف‌های او را جدی نمی‌گرفتند.

روزها گذشت تا این که جشن سالیانه‌ی بت پرستان فرا رسید. آن‌ها برای برگزاری مراسم جشن از شهر بیرون رفتند. ابراهیم (علیه السلام) که از مدت‌ها قبل تصمیم داشت ضعف و ناتوانی بت‌ها را به مردم نشان دهد، تبر خود را برداشت و با گام‌های استوار به سوی بت‌کده‌ی شهر رفت.

۱- سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۸

اجرای نمایش



ماجرای بت‌شکنی حضرت ابراهیم (علیه السلام) را که در سال‌های گذشته خوانده‌اید، برای دوستانتان تعریف کنید و آن را به صورت یک نمایش در کلاس به اجرا در آورید.

گفت‌وگو کنید



ترجمه‌ی آیه‌ی سی و دوم از سوره‌ی ابراهیم چنین است: «خداوند است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آب باران نازل کرد و به وسیله‌ی باران، انواع محصولات برای روزی شما (از زمین) خارج ساخت...»
با توجه به این آیه چه کسی شایسته‌ی پرستش و عبادت است؟ چرا؟

آیا می‌دانید هر یک از ما انسان‌ها چه مراحل را در زندگی خود پشت سر می‌گذاریم؟ این مرحله‌ها تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟

اولین مرحله‌ی زندگی، مرحله‌ی نُه ماهه‌ای است که در شکم مادر به سر می‌بریم. وقتی رشد ما کامل شد، به دنیا می‌آییم و مرحله‌ی جدیدی را آغاز می‌کنیم. این مرحله‌ی جدید دوران کودکی است. رفته رفته قدرت و نیروی ما افزایش می‌یابد و یاد می‌گیریم که چه طور کارهایمان را خودمان انجام دهیم و به این ترتیب، پا به دوره‌ی نوجوانی می‌گذاریم. پس از دوره‌ی نوجوانی، نوبت به جوانی می‌رسد. این دوره، زمان کار و تلاش جدی است و در آن به آینده بیش‌تر فکر می‌کنیم. بعد از جوانی، نوبت به بزرگ‌سالی، پیری و کهن‌سالی می‌رسد.

به طور طبیعی، هر کدام از ما این دوره‌ها را طی می‌کنیم و سپس عمر ما به پایان می‌رسد. آیا زندگی ما با مرگ پایان می‌یابد؟ پس از مرگ، وارد چه دوره‌ی جدیدی از زندگی می‌شویم؟



زندگی برتر

قرآن کریم، مرگ را پایان زندگی نمی‌داند. از نظر قرآن، ما پس از مرگ پا به جهان جدیدی می‌گذاریم که خیلی بزرگ‌تر و شگفت‌انگیزتر از این جهان است. زندگی اصلی ما در آن جهان خواهد بود.

زندگی دنیا، محدود است و روزی به پایان می‌رسد؛ اما زندگی در جهان آخرت، دائمی و همیشگی است. مردم در این دنیا فرصت دارند تا آخرت خود را آباد کنند. کسانی که ایمان بیاورند و کارهای نیک انجام دهند، برای همیشه در بهشت خواهند بود و کافران و مجرمان، به آتش جهنم گرفتار خواهند شد.

در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) یکی از کافران، استخوان پوسیده‌ای را نزد پیامبر خدا آورد. آن‌گاه استخوان را با دستان خود نرم و خرد کرد و به پیامبر گفت: «ای محمد! آیا پس از آن که مُردیم و به یک مُشت استخوان تبدیل شدیم، دوباره زنده می‌شویم؟!» خدا در قرآن، این ماجرا را آورد و به سخن آن مرد چنین پاسخ گفت:

او گفت: چه کسی استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟!
بگو همان کسی که آن‌ها را در آغاز آفریده است.

سوره‌ی یس، آیات ۷۸ و ۷۹

آری! کسانی که نسبت به قیامت شک دارند، قدرت خدا را خیلی کم می‌شمارند. تعجب آنان این است که خدا چگونه می‌تواند مرده‌ها را دوباره زنده کند و جان تازه‌ای به آن‌ها ببخشد. خدا در پاسخ این افراد نیز می‌فرماید:

آیا آفرینش دوباره‌ی شما (در قیامت)، دشوارتر است یا
آفریدن آسمان که خدا آن را برپا کرده است؟

سوره‌ی نازعات، آیه‌ی ۲۷

گفت‌وگو کنید

برای ساختن یک خانه، مهندس ابتدا باید نقشه‌ای طراحی کند و سپس بر اساس آن با تهیه‌ی مواد و مصالح مورد نیاز، خانه را بسازد. اگر ساختمان خراب شود و آن مهندس بخواهد دوباره آن را مثل شکل قبلی بسازد، ساختن اولیه سخت‌تر است یا دوباره ساختن آن؟

درس چهارم یاد آن روز بزرگ

مردی نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمد و از ایشان خواست که به او قرآن بیاموزد. پیامبر(صلی الله علیه و آله) یکی از یارانش را مأمور آموختن قرآن به او کرد. وقتی آن مرد سوره‌ی زلزال و دو آیه‌ی آخر آن را یاد گرفت، به معلّم خود گفت: «همین دو آیه برای من کافی است!»

ماجرای او را برای پیامبر بازگو کردند. پیامبر فرمود: «این مرد در حالی به خانه‌ی خود برگشت که دین را به خوبی فرا گرفته بود.»

فکر می‌کنید در این دو آیه چه نکته‌ای آمده است که او می‌گفت همین دو آیه برای من کافی است؟!



فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

هر کس ذره‌ای کار نیک کند، [نتیجه‌ی] آن را خواهد دید و
هر کس ذره‌ای کار بد کند، [نتیجه‌ی] آن را خواهد دید.

سوره‌ی زلزال، آیات ۷ و ۸

قرآن و یاد قیامت

بسیاری از آیات قرآن کریم، درباره‌ی قیامت است. قرآن، بارها و بارها از آن روز بزرگ یاد کرده و همواره مردم را به یاد روز قیامت می‌اندازد. این کتاب عزیز، گاهی به بیان نعمت‌های بهشت می‌پردازد. گاهی از عذاب‌های جهنم گزارش می‌دهد. گاهی گفت‌وگوی بهشتیان و جهنمیان را بازگو می‌کند و گاهی هم مراحل مختلف قیامت را برمی‌شمارد، تا انسان‌ها با خواندن این آیات به انجام کارهای نیک تشویق شوند.

بسیاری از گناهان مردم، به خاطر از یاد بردن قیامت است. به نظر شما اگر کسی یاد قیامت باشد، آیا به راحتی حاضر می‌شود دروغ بگوید و یا به دیگران ستم کند؟ اگر کسی واقعاً به قیامت ایمان داشته باشد، از مال دیگران بدون اجازه‌ی آن‌ها استفاده می‌کند؟ یا این که سعی می‌کند با انجام کارهای نیک به سعادت همیشگی برسد و در روز قیامت به بهشت وارد شود؟

فکر کن و بگو

خدا در سوره‌ی حمد، با چه نامی از قیامت یاد کرده است؟

گفت‌وگو کنید

دانش‌آموزی که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد، در برخورد با هم‌کلاسی‌های خود چگونه رفتار می‌کند؟

قرآن بخوانیم

یکی از سوره‌های مربوط به روز قیامت (مانند تکویر، زلزال، قیامت و...) را انتخاب کنید و به همراه ترجمه‌ی آن در کلاس بخوانید.

نامش «صفوان» بود؛ یکی از یاران امام کاظم (علیه السلام)، که کارش کرایه دادن شتر به مسافران بود.

هارون، پادشاهی که مخالف امام کاظم (علیه السلام) بود، می‌خواست به همراه گروهی از درباریانش به سفر حج برود. کسی را نزد صفوان فرستاد و تعداد زیادی از شتران او را کرایه کرد. سفر آن‌ها چند ماهی طول می‌کشید و صفوان پول هنگفتی به دست می‌آورد. او که از پیروان و

دوستداران امام کاظم (علیه السلام) بود، دلش نمی‌خواست به هارون خدمتی کند؛ اما از این معامله‌ی پرسود نیز نمی‌توانست بگذرد.

با خودش می‌گفت:

«کار من چه اشکالی

دارد؟! شترانم را برای

زیارت خانه خدا، کرایه

می‌دهم. این که دیگر

عیبی ندارد.»

چند روز بعد خدمت امام

کاظم (علیه السلام) رسید.

امام به وی فرمود: «صفوان!

من این کار تو را نمی‌پسندم.»

صفوان با تعجب پرسید: «کدام کار؟»

— این که شترانم را به هارون کرایه داده‌ای!

— من شترانم را به هارون کرایه نداده‌ام تا به شکار یا

تفریح برود؛ برای سفر حج و زیارت خانه‌ی خدا کرایه داده‌ام. شتربانی هارون نیز بر عهده‌ی

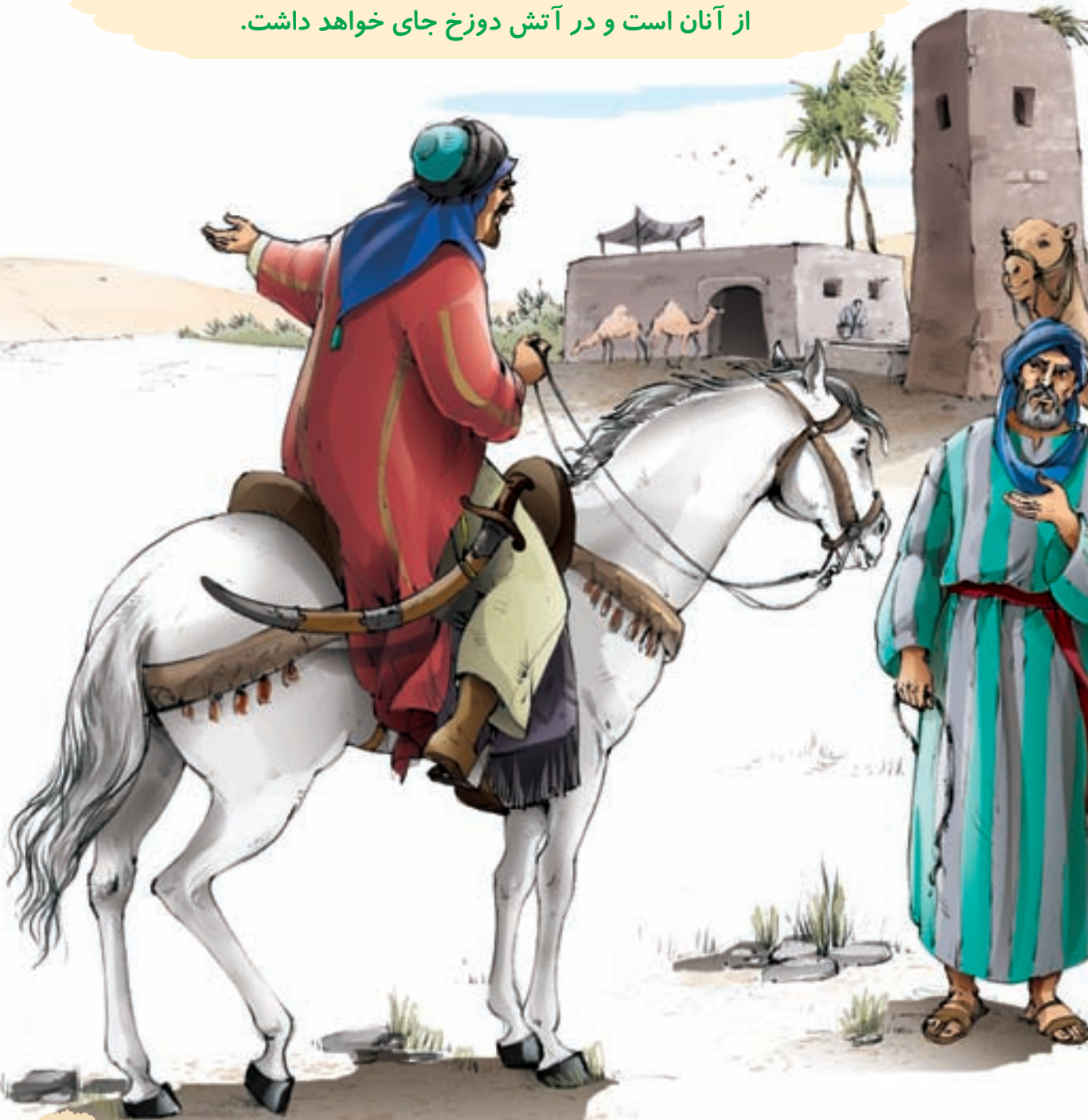
خودم نیست؛ بلکه غلامانم را به همراه او خواهم فرستاد.

— آیا دوست داری تا زمان پرداخت کرایه، هارون زنده بماند؟



– آری. دوست دارم زنده بماند تا برگردد و کرایه‌ام را بپردازد.
امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

هر کس زنده ماندن ستمگران را دوست بدارد،
از آنان است و در آتش دوزخ جای خواهد داشت.



صفوان از این هشدار امام به خود آمد. برای رهایی از کمک به ستمگر، همه‌ی شترانش را فروخت و به هارون کرایه نداد.

خدا در قرآن، همه‌ی ما مسلمانان را برادر یک‌دیگر شمرده است و به ما سفارش فرموده که به یک‌دیگر محبت بورزیم و انسان‌های با ایمان و نیکوکار را دوست بداریم. هم‌چنین از کسانی که با دین خدا و پیامبر او و اهل بیتش علیهم‌السلام دشمنی می‌ورزند، دوری کنیم و راه خود را از آن‌ها جدا نماییم.
خداوند در قرآن می‌فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
محمد رسول خدا و یارانش، در برابر دشمنان کافر، سرسخت و استوار،
و با یک‌دیگر مهربان و نیک‌رفتارند.

سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹

بر اساس این آیه، یکی از وظایف دینی ما مسلمانان، «تولی» و «تبری» است. یعنی باید مؤمنان را که دوستان خدا هستند، دوست بداریم و در مقابل، کافران ستمکار را که دشمنان خدا هستند، دشمن بداریم و از آن‌ها بیزاری بجوییم. چنان‌که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) وقتی فهمید سرپرست او بت‌پرست است و حاضر نیست دست از کار خود بردارد، از او بیزاری جست.^۱

در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی، روز سیزده آبان، «روز ملی مبارزه با استکبار» نام گرفته است و در این روز همه‌ی مردم، به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان، با شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا و اسرائیل» بیزاری خود را از دولت‌های زورگو و ستمگر اعلام می‌کنند.

فکر کن و بگو



غیر از روز ۱۳ آبان، چه مناسبت‌های دیگری می‌شناسید که در آن‌ها ما بیزاری خود را از دشمنان اسلام اعلام می‌کنیم؟

گفت‌وگو کنید



در مورد پیام آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی فتح با دوستانتان گفت‌وگو کنید.

تحقیق کنید



چه حادثه‌ای موجب شد که روز ۱۳ آبان را روز «دانش‌آموز» بنامند؟

